

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هفتم-شماره چهارم-زمستان ۱۳۹۳-شماره پیاپی ۲۶

تلمیح اشخاص در دیوان مخفی

(ص ۲۲۴-۲۰۷)

نسرین فلاح^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۲

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵

چکیده

دیوان زیب النساء مخفی (متوفی ۱۰۴۸ ه.ق)، شاهرزاده و شاعر سبک هندی، مشتمل بر چهارهزارو بیست و پنج بیت شعر در قالبهای مختلف شعری است که غالب آن را غزل تشکیل میدهد. استفاده مکرر و بسیار از تلمیح اشخاص، بررسی ابعاد مختلف تلمیح در شعر وی را ضروری مینماید. این مقاله به شیوه تحلیلی - توصیفی بر مبنای سبک‌شناسی آماری در کلّ دیوان، به بررسی اقسام تلمیح اشخاص، کارکردها و ساختار اجزاء آن و گونه‌های بیانی و بلاغی تلمیح پرداخته است تا با تحلیل عمیق و گسترده ابعاد تلمیح، ویژگیهای سبکی شاعر را در این زمینه در مقایسه با سبک هندی ارائه دهد. یافته‌ها نشان داده‌است که شاعر با گزینش تلمیحات برجسته شخصیت‌های مذهبی، اساطیری، تاریخی و ادبی، پاره‌ای از ویژگیهای قدما را تقلید نموده است، اما از نوآوری در این زمینه غافل نبوده است.

کلمات کلیدی: تلمیح، زیب‌النساء، مخفی، دیوان، شعر هندی.

^۱ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان و عضو پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران، کرمان، ایران. N.Fallah@uk.ac.ir

مقدمه

زیب النسا مخفی نخستین دختر اورنگ‌زیب عالمگیر، شهنشاه مغولی هند، بود. زیب النسا در سال ۱۰۴۸ ه.ق برابر با ۱۶۳۸ م. پا به این جهان گذاشت. مادرش دلرس بانو، دختر شهنواز صفوی بود. پدرش، اورنگ‌زیب برای تربیت زیب النسا یکی از زنان دربار به نام مریم را گماشت. در اثر تلاش‌های او بود که زیب النسا در سه سال حافظ قرآن مجید شد. پس به فراگیری دانش‌های زمان خویش زیر نظر محمدسعید اشرف مازندرانی پرداخت. زیب النسا فلسفه، نجوم و ادبیات را بیاموخت و زبان‌های فارسی، عربی و هندی را فراگرفت. زیب النسا شهرت به سزایی در خوشنویسی داشت. مخفی از سن چهارده سالگی به سرودن شعر آغاز کرد. (ر.ک. تذکره زنان سخنور، مشیر سلیمی: صص ۱۵۹ - ۱۶۳ نیز مقدمه دیوان زیب النسا، تصحیح صدیقیان و میرعابدینی: ص ۹) زیب النسا در زمانی زیسته است که بسیاری از شاعران مانند بیدل، کلیم کاشانی، صائب تبریزی و غنی کشمیری در اوج شهرت بودند. با آنکه تأثیر حافظ را میتوان در اشعار مخفی ردیابی کرد، اما او همچنان یکی از شعرای مکتب هندی در شعر فارسی به شمار میرود. مخفی در سال ۱۹۰۷ میلادی در شاهجهان آباد دهلی کهنه درگذشت. (ر.ک. En wikipedia ذیل زیب النسا مخفی)

دیوان شعر مخفی به دفعات مختلف در هند به چاپ رسیده است. (ر.ک. کاروان هند، گلچین معانی، ج دوم: ص ۱۲۶۵) در سال ۱۳۸۱ در تهران به کوشش مهیندخت صدیقیان و میرعابدینی چاپ شد و چاپ دیگر آن به کوشش احمد کرمی موجود است.

تلمیح

تلمیح و به تعبیر دیگر «چشمزد» (بدیع، کزازی: ص ۱۱۰) در لغت به چیزی نگریستن و یا به چیزی اشاره کردن است (زیور سخن در بدیع فارسی، صادق‌یان: ص ۱۵۳) و در اصطلاح آن است که «متکلم در نظم یا نثر اشاره نماید به قصه‌ای معروف یا مثلی مشهور بطوری که معنی مقصود را قوت دهد و گاه به شعری اشاره نمایند.» (ابدع البدایع، گرگانی: ص ۱۶۷) و بر این اساس آن را شش قسم دانسته‌اند. (معانی بیان، آهنی: ص ۲۷۳) پاره‌ای از علما آن را با صنعت ارسال مثل مقایسه کرده‌اند و نوشته‌اند «در لغت به معنی درخشیدن باشد، پس به جهت ظهور مثل و وضوح او، این صنعت را تلمیح گفته‌اند.» (بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، واعظ کاشفی سبزواری: ص ۱۲۱)

تلمیح از نظر موضوعی انواع مختلفی دارد. تلمیح به آیه، حکایت مشهور مانند قصص قرآنی، اساطیر، حدیث، ارسال المثل (ر.ک. دانشنامه بزرگ اسلامی ذیل تلمیح) و بر این اساس میتوان اقسام مختلف قرآنی (سیری در شعر فارسی، زرین کوب: ص ۲۰۰)، اساطیری، دینی، تاریخی،

داستانی و فرهنگ عامه را بر شمرد (فرهنگ تلمیحات، شمیسا : ص ۷) و حتی در شعر نو از این هم فراتر رفت و انواع موضوعی حماسی، مکانی، اعلام، سیاسی، خانوادگی و جهانی را برشمرد.

بیان مسئله

بررسی تلمیح شخصیتها در دیوان زیب النسا مخفی با رویکرد سبک شناسی آماری از ابعاد گوناگون این صنعت زبانی، با طرح مسائل فرعی متعدّد به این پرسشهای اصلی پاسخ میدهد: ویژگیهای سبک فردی شاعر در کاربرد تلمیح در شعر چگونه نمود مییابد و سبک دوره‌ای وی بر این اساس کدام است؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

بررسی تلمیح در دیوان مخفی به عنوان شاعر سبک هندی، به دلیل کاربرد زیاد تلمیح اشخاص و برجستگی آن نسبت به سایر تلمیحات موضوعی در دیوان شاعر اهمیت مییابد. این بررسی افزون بر ارائه ویژگیهای سبک فردی شاعر، پاره‌ای ویژگیهای سبکی دوره‌ای او را در پیروی از سبک هندی و عراقی نشان میدهد. از طرف دیگر، بررسی تلمیح دست‌کم موجب تحقیق در منابع تلمیح شاعران مختلف در قرنهای متمادی و مقایسه روایات مختلف از یک داستان و حادثه خواهد شد و امکان تحلیل عمیق و همه‌جانبه این مبحث را فراهم می‌آورد.

پیشینه تحقیق

در زمینه تلمیح تاکنون فرهنگهای نفیس و گرانقدری به چاپ رسیده است که به صورتهای مختلف در ادبیات سنتی و نو ارائه شده است که هیچ کدام به معنی ختم این مبحث نیست. در این میان فرهنگهای شمیسا و محمدی به دلیل طرح مباحث متنوع و مشترک در این پژوهش مدنظر قرار گرفته‌اند. همچنین پژوهشهایی به صورت مقاله انجام شده است که میتوان به انواع تلمیح در غزلهای حسین منزوی و سیمین بهبهانی (مدرسی و کاظم زاده: صص ۱۲۳-۱۳۹) و نکته‌های درباره تلمیحات شاهنامه‌ای خاقانی (آیدنلو، صص ۷-۳۶) اشاره کرد. هر کدام از این پژوهشها به تحلیل موردی تلمیح در شعر شاعری خاص یا مقایسه و تقلید وی از دیگر شاعران پرداخته‌اند. در زمینه بررسی آثار زیب النسا چند پژوهش به صورت مقاله انجام شده است که بررسی زندگی وی (حیات زیب النسا مخفی در پرتو کلامش، علیخان: صص ۱۳۳-۱۴۵) و تقلید و تتبع وی از حافظ (تأثیرپذیری زیب النسا از حافظ، امیرمشهدی: صص ۱۲۳-۱۵۳) را دربرمیگیرد. این پژوهش به دلیل توجه به ابعاد مختلف تلمیح در شعر مخفی به عنوان شاعر زن سبک هندی و خلأ موجود در این زمینه، یافته‌های نو و همه‌جانبه را در شعر این شاعر ارائه نموده است و ضمن مقایسه با دستاوردهای کلی پیشین، به تحلیل آن پرداخته است.

روش تحقیق

این مقاله به شیوه‌ای تحلیلی- توصیفی بر مبنای سبک‌شناسی آماری انجام شده است. نخست با مطالعه کلّ دیوان به استخراج تلمیح شخصیتها با توجه به نام آنها و عناوین و اجزاء مرتبط با آنها پرداخته شد و از شیوه گزینش بخشهایی از دیوان پرهیز شد تا نقد و تفسیر بر مبنای صحت کلّ داده‌ها و میزان پراکندگی و بسامد آنها صورت گیرد. پس از آن ابعاد مختلف تلمیح از دیدگاه سنتی و نو تحلیل شد.

بحث

الف- اقسام تلمیح

تلمیح شخصیتها در دیوان مخفی در سه گروه طبقه بندی میشود. این تقسیم‌بندی بر اساس خاستگاه و چگونگی ارائه این تلمیحات است و در مواردی به مجموعه‌ای کوچکتر تقسیم میشود:

۱- تلمیحات مذهبی

تلمیحات مذهبی شخصیتهای مختلف قرآنی و دینی را شامل میشود. ویژگی عمده این تلمیحات تأثیر داستانها و قصص قرآنی در شکل‌گیری آنهاست. از نظر خاستگاه و منشأ دینی، پیامبران ادیان مختلف و شخصیتهای مشهور معاصر آنها را شاهدیم که چهارچوب حضور آنها به آیات و روایات قرآنی محدود میشود. تکرار اجزاء تلمیح و مستند سازی ویژگی برجسته این تلمیحات است که بر تأثیر پذیری، تقلید و پایبندی دینی شاعر صحنه میگذارد. جدول زیر اقسام شخصیتهای مذهبی و قرآنی و بسامد حضور آنها را - با توجه به نامهای مختلف آنان یا اشاره به حوادث و شخصیتهای زمان آنها - به شیوه آمارسنجی در کل دیوان و قالبهای مختلف شعری نشان میدهد:

شخصیت	ایوب	ابراهیم	خضر	قارون	داوود	شداد	سلیمان
بسامد	۴	۵	۲۲	۳	۲	۵	۴
شخصیت	یوسف	یوسف و زلیخا	زلیخا	یعقوب	یعقوب و یوسف	آدم	موسی
بسامد	۲۵	۸	۸	۲۲	۱۰	۴	۹
شخصیت	محمد و ائمه	اسکندر	خضر و اسکندر	نوح	نوح و خضر	عیسی	سامری
بسامد	۵+۸	۴	۲	۷	۱	۱۹	۵

۲- تلمیحات اساطیری و تاریخی

شخصیتهای مختلف تاریخی و اساطیری در طبقات مختلف اجتماعی به ترتیب اهمیت پادشاهان و متعلقات آنان ، پهلوانان ، دانشمندان و دیگر مشاهیر تاریخی در این گروه قرار میگیرند. نکته قابل ملاحظه در این بخش بسامد پایین این تلمیحات نسبت به سایر اقسام تلمیح است . این شخصیتهای عبارتند از:

شخصیت	جم	عنقا	درفش کاویان	طاق کسری	رستم	اسکندر
بسامد	۹	۵	۱	۱	۳	۱
شخصیت	اسکندر و دارا	اسکندر و جم	فلاتون	ارسطو	بوعلی سینا	حاتم طی
بسامد	۱	۲	۶	۱	۲	۷

۳- تلمیحات ادبی

تلمیحات ادبی بیشترین تعداد تلمیح را در دیوان مخفی شکل میدهند . هنرنماییهای شاعرانه و برجستگیهای زبانی از ویژگی این تلمیحات است . هر چند پاره‌ای از شخصیتهای تاریخی در این بخش حضور دارند ، اما به دلیل ویژگی برجسته زبان شاعرانه و تأثیر آن در کیفیت ارائه تلمیح ، این گروه از تلمیحات را تلمیحات ادبی مینامیم .

تلمیحات ادبی به دو گروه شخصیتهای عارفانه و عاشقانه تقسیم میشوند . نامگذاری این گروه از تلمیحات به دلیل غلبه بافت متن و موقعیت متنی این گروه از تلمیحات است که آگاهی شاعر را در کاربرد تلمیح برای نیل به مقاصد شخصی در دو حوزه طرح معانی و مفاهیم عاشقانه و عارفانه نشان میدهد . منصور حلاج ، عارف برجسته که به تعبیر شاعر داد اناالحق زد ، تنها شخصیت عرفانی است که به شکلهای مختلف در متن حضور دارد . فرهاد ، خسرو و شیرین ، لیلی و مجنون ، محمود و ایاز از شخصیتهای عاشقانه این بخش هستند که اغلب به شکل جفتهای متناظر ، رقیب یا مکمل در متن حاضر میشوند و شاعر با بهره‌گیری از حضور آنها در دو عرصه صوری و محتوایی زبانی هنرنمایی میکند . توسع معنایی با بهره‌گیری از برجسته سازی زبانی با کمک دو عنصر تکرار و ایهام از ویژگیهای بلاغی این بخش است .

شخصیت	مجنون	مجنون و لیلی	لیلی	محمود	محمود و ایاز	منصور
بسامد	۸۳	۲۶	۲	۱	۴	۹
شخصیت	فرهاد	فرهاد و مجنون	فرهاد و خسرو	فرهاد و شیرین	خسرو و شیرین	خسرو، شیرین و فرهاد
بسامد	۲۹	۶	۳	۲	۲	۴

بررسی کلی تلمیحات دیوان مخفی، این تلمیحات را در گروه تلمیحات متحد قرار میدهد. «تلمیحات متحد از مجموعه اجزا و عناصر تلمیحی به وجود می‌آیند» (فرهنگ تلمیحات شعر معاصر، محمدی: ص ۱۴) وضوح تلمیح و استفاده از اجزاء مختلف تلمیح شخصیت که تنوع معنایی ایجاد میکند، از ویژگیهای تلمیحات متحد است. از طرف دیگر بررسی آماری تلمیحات اشخاص، تلمیحات ادبی را با بیشترین بسامد در دیوان شاعر ارائه میدهد و بر این اساس تلمیحات مرکزی دیوان شاعر را تلمیحات ادبی معرفی میکنیم. دور زدن و تکرار شدن ویژگی تلمیحات مرکزی است. (همان: ۱۶) در میان تلمیحات ادبی، مجنون بیشترین بسامد را داراست که این امر نشانگر آشنایی یا تعلق خاطر به این داستان عاشقانه ادبیات عرب یا تأثیرپذیری از آن است که بر خلاف انتظار از تلمیحات عاشقانه ایرانی همچون فرهاد و شیرین بیشتر است.

منشأ داستانی تلمیحات مشخص و واضح است و با تلمیح سرگردان با منشأ نامشخص مواجه نیستیم. تنها با یک مورد تلمیح که به زعم مصحح میتوان آن را اصلاح نمود مواجهیم:

باز موج سیل اشکم دم ز طوفان میزند چشمه سار دیده‌ام پهلو به نعمان میزند
(دیوان زیب النسا: بیت ۱۷۵۲)

در نسخهٔ ث پهلو به نعمان و در نسخهٔ ه. پهلوی عمان آمده است و به زعم مصحح «پهلو به عمان» درست است.

خاستگاه و منشأ تلمیحات با مروری بر بینامتنیت تلمیح

تلمیحات شخصیتها در دیوان مخفی به سه گروه عمده تلمیحات سامی، ایرانی و یونانی تقسیم میشوند. تلمیحات ایرانی مبتنی بر متون حماسی ایرانیان و روایتهای تاریخی و ادبی است. رجال تاریخی به شخصیتهای علمی همچون بوعلی سینا و پادشاهان تاریخی همچون دارا و شخصیتهای ادبی عاشقانه‌ای همچون محمود و ایاز و عارفانه‌ای چون منصور حلاج اطلاق میشود. این گروه از تلمیحات در مقایسه با تلمیحات سامی کمتر استفاده شده‌اند و تلمیحات یونانی که مربوط به دو رجل مشهور علمی، افلاتون و ارسطو و تاریخی، اسکندر مقدونی است، کمترین کاربرد را در دیوان دارند. به عقیده نگارنده تسلط بر فرهنگ مذهبی-قرآنی و آشنایی با تاریخ و ادب ایران عامل ظهور این تلمیحات در دیوان مخفی است.

تلمیحات سامی به دو گروه عربی و اسلامی تقسیم میشوند. تلمیحات اسلامی شخصیتها در دیوان مخفی بیشتر خاستگاه قرآنی دارد و بر مبنای قصص قرآنی مربوط به زندگی انبیاء الهی است و آشنایی و تقید شاعر به قرآن را نشان میدهد. تلمیحات عربی مبتنی بر قصه‌های عاشقانهٔ عرب دربارهٔ لیلی و مجنون و بخشندگی حاتم طی است. محققان منشأ تاریخی لیلی و مجنون را به عرب دورهٔ جاهلی و حتی افسانه‌های بابلی نسبت میدهند (ر. ک. مقایسهٔ چهار روایت لیلی و مجنون،

ذوالفقاری : ۶۰ و ۶۱) و زندگی حاتم طایی را به سال ۴۶ ق. ه یا ۶۰۵ م. در قبیله طی در دوره جاهلیت عرب، در روستای توارن کنونی واقع در عربستان، میدانند. (ر.ک. ویکی پدیا : ذیل حاتم طایی) نکته جالب در این تلمیحات، بسامد بالای حضور مجنون و دلباختگی اوست. این امرآشنایی و علاقه شاعر را با نماد برجسته ادبیات عاشقانه عرب نشان میدهد و نمایانگر ساختار عاشقانه غزل مخفی است که شاعر در این ساختار با بهره‌گیری از شخصیت مجنون و قصه‌های دلباختگی او، بستری مناسب را برای خلق مضامین نو فراهم میکند.

بررسی خاستگاه و منشأ تلمیحات دیوان مخفی به عنوان شاعر سبک هندی و بالیده دربار گورکانیان هند، غیبت تلمیحات هندی را در دیوان شاعر غیرطبیعی جلوه میدهد. درباره یادکرد محیط هند و معاصران به موردی چون طالب آملی اشاره شده است و در پایان غزل به مدح او پرداخته شده است. (دیوان زیب النساء، بیت ۴۴۰) این امر از سویی صحت انتساب دیوان به مخفی هندی را زیر سؤال میبرد و لزوم بررسی دیدگاه منتقدان (ر.ک. کاروان هند، گلچین معانی، ج دوم: ۱۲۶۵) را در این باره ضروری مینماید که از عهده این پژوهش خارج است؛ از سوی دیگر مبحث بینامتنیت تلمیح را اثبات میکند که نفوذ سنت ادبی و اصول حاکم بر آن را نشان میدهد. بر این اساس شاعر در مبحث تلمیح از روح اسلامی- ایرانی حاکم بر ادبیات فارسی، بویژه سبک عراقی متأثر است و محیط پیرامون وی چندان تأثیری در این زمینه بر شعر او نداشته است.

ساختار اجزاء تلمیح

ساختار تلمیح از ترکیب اجزاء اصلی و فرعی تلمیح در محور همنشینی شکل میگیرد. درواقع هر تلمیح اجزایی دارد که به حادثه، داستان یا واقعه خاصی اشاره میکند. پاره‌ای از این اجزاء نسبت به بقیه شناخته شده‌ترند و این امر از شهرت حادثه و تواتر آن در بین شاعران و نویسندگان حکایت میکند. این اجزاء، بخش اصلی تلمیح را شکل میدهند و پاره‌ای ناشناخته‌ترند و اجزاء فرعی تلمیح را شکل میدهند. اجزاء فرعی تلمیح، زایا بودن دستگاه تلمیح، نگرش و خلاقیت و نبوغ فردی شاعر را نشان میدهد و این امر را به اثبات میرساند که میتوان موضوعی کهنه و قدیمی را به شکلی نو بیان کرد. وضوح تلمیح از دیدگاه محققان به این موارد بستگی دارد: «تعداد اجزاء بیشتر باشد، اجزاء اصلی بیشتر باشند، بین اجزاء ارتباط قوی باشد.» (فرهنگ تلمیحات، شمیس: ص ۴۴)

این بخش از مقاله به بررسی ساخت داستانی تلمیح در دیوان مخفی میپردازد و بر اساس آن، اجزاء تلمیح در محور همنشینی مورد بررسی قرار میگیرد تا چگونگی ترکیب و میزان اهمیت آنها، وضوح تلمیح، خلاقیت و نوآوری شاعر و ابعاد نگرش او به کیفیت تلمیح مشخص شود. آمارسنجی دیوان مخفی، ویژگیهای ساختاری اجزاء تلمیح، میزان تنوع و نوع عبارتها و ترکیبهای به‌کاررفته را نشان میدهد. در جدول زیر به عنوان نمونه، اجزاء تلمیحات برخی شخصیت‌های مذهبی به تفکیک، ذکر می‌شود:

اجزاء تلمیحات شخصیت‌های مذهبی

شخصیت‌های تلمیح	اجزاء تلمیح
یوسف	گم شدن یوسف، زور دست اخوان (آتش دیگ حسد، اخوان حسد، ستم)، چاه کنعان (چاه)، گرگ، کنعان (ماه کنعان، کنعان دهر)، حسن یوسف (یوسف مصر هنر، بازار حسن یوسف کنعان، یوسف حسن)، مصر (مصر هستی، مصر دهر)، مشتری (خریدار، عزیز، نرخ ارزان و بازار)، بوی (بوی مصر، بوی پیراهن)، یوسف و حبّ وطن، خواب مسجود ملائک شدن و تعبیر، یوسف و زندان غم.
محمد(ص) و ائمه	شقّ القمر، معراج و درماندن جبرئیل. ائمه (حیدر و کوثر، شاه ولایت)، شاه خراسان، یزید و کربلا.
اسکندر	آئینه اسکندر، بازماندن از آب حیات، پیغمبری.
خضر و اسکندر	آب حیوان.
نوح	نوح(نبیّ الله)، طوفان نوح(موج، کشتی، غرق شدن، دریا، تنور، ناخدا، معجزه، دریا، شنا).
نوح و خضر	هدایتگری (ناخدا، دریا، توفان، موج).

بررسی ساختار اجزاء تلمیح در دیوان مخفی، چند مورد را به اثبات میرساند:

۱- ساختار اجزاء تلمیح در دیوان مخفی دو گونه تلمیح را از یکدیگر متمایز میسازد: اشاره به واقعه و حادثه‌ای خاص در رابطه با شخصیت تلمیح که متضمّن عملکرد خاص اوست؛ دوم اشاره به شخصیت تلمیح و استفاده صرف از شهرت او و نمادگرایی که کارکرد تلمیح را در جهت اغراض و مقاصد شاعر نشان میدهد. غلبه اجزاء اصلی تلمیح که حادثه‌ای خاص در زمان زندگی شخصیت را نشان میدهد، از ویژگیهای این نوع تلمیحات است و میتوان آن را تلمیح حادثه نامید. تلمیح حادثه در شخصیت‌های مذهبی و قرآنی بیشتر است و پایبندی شاعر را به مستندسازی در این زمینه و لزوم پایبندی به آن را برای دستیابی به مقاصد تعلیمی نشان میدهد. تلمیح گونه دوم را که به شهرت شخصیت مربوط میشود و انبوهی از حوادث و ماجراها را در ذهن مخاطب برمیانگیزد، میتوان تلمیح نمادین نامید و برای درک کارکرد آن باید به بافت متن رجوع کرد. در تلمیحات ادبی نمادگرایی بیشتر است. تلمیح حادثه:

تلمیح نمادین: بس که آب دیده من ریخت در زندان هجر / بایدم چون نوح اندر موج طوفان زیستن (دیوان: ۲۸۵۰)

کهن زالی است این دنیا به مکاری که از هر سو
نهان در زیر هر سنگی هزاران کوهکن دارد
(همان: ۱۴۴۷)

۲- اشخاص تلمیح با نامهای مختلف و تعبیرهای متعدد معرفی میشوند. این نامها، شهرت، لقب و پیشه و حرفه شخص را دربرمیگیرد؛ به عنوان مثال حضرت ابراهیم (ع) با لقب خلیل، عیسی (ع) با واژه‌های کلیم و مسیح، فرهاد با پیشه کوهکن معرفی میشوند. گاهی تغییر در نام اشخاص بنا به ضرورت شعری و مواردی از این قبیل، موجب تغییر از نوع حذف و تقصیر است و صورت نوشتاری جدیدی از نام شخص ارائه میدهد؛ ماند فلاتون و بوعلی به جای افلاتون و ابوعلی سینا.

۳- تلمیح بر حسب ذکر یا حذف شخصیت تلمیح به دو گونه تقسیم میشود: تلمیح مستقیم که در آن نام شخصیت ذکر میشود و پس از آن اجزاء اصلی و فرعی تلمیح، ذهن مخاطب را به حادثه یا مضمونی خاص هدایت میکند. غالب بر نود درصد حجم دیوان را تلمیح مستقیم شخصیتها دربرمیگیرد. تلمیح غیرمستقیم با حذف نام شخصیت و برشمردن اجزاء تلمیح، شکل میگیرد و این قبیل تلمیحات، دو ویژگی اصلی دارند: نخست اینکه تعداد اجزاء تلمیح در آنها بیشتر است و دوم اینکه از اجزاء اصلی، بیشتر استفاده میشود تا وضوح تلمیح بیشتر شود. باز نمود تلمیح برای مقاصد خاص شاعر و کارکردهای اختصاصی تلمیح، اغلب این گونه را شکل میدهد؛ تلمیح غیرمستقیم:

مجو ز باد صبا دیده بوی پیراهن که گرد قافله مصر توتیا اینجاست (همان: ۴۳۰)

۴- در غالب تلمیحات دیوان مخفی، بجز موارد تلمیح نمادین و غیرمستقیم، تنوع و تعدد اجزاء تلمیح مشاهده میشود. این تنوع اجزاء متعدد حادثه‌ای واحد را در برمیگیرد و در محور همنشینی اجزاء در یک بیت شعر خلاصه میشود. اغلب اجزاء تلمیح، اصلی هستند و پرداختن به موارد فرعی و کم‌شهرت بندرت مشاهده میشود.

ساخت بلاغی تلمیح

ساخت بلاغی تلمیح بر دو آرایه تشبیه و تناسب مبتنی است. (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۹۰) نیز فرهنگ بدیعی، موسوی: ص ۹۱ و فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد: ص ۱۶۳) ارتباط تلمیح با متن با آرایه تشبیه برقرار میشود و ارتباط بین اجزای تلمیح، آرایه تناسب یا مراعات النظیر را نشان میدهد. آنچه در این بخش مد نظر قرار میگیرد، ارتباط تلمیح با سایر اجزاء و ارکان متن است که انواع تشبیه را دربرمیگیرد و از ساده‌ترین نوع آن یعنی تشبیه صریح آغاز میشود و تا حذف وجه شبه و ادات تشبیه و شکل‌گیری استعاره پیش میرود.

بررسی انواع مختلف تلمیح در دیوان مخفی نشان میدهد که تشبیه تلمیحی صریح، مفصل و مجمل با ذکر و حذف وجه شبه و مؤکد با حذف ادات تشبیه و پس از آن تشبیه بلیغ در دیوان شاعر بسیار مشاهده میشود و تلمیح استعاری کمترین تعداد را دارد. این امر به نوبه خود بر روانی کلام شاعر و درک بی‌واسطه معنا افزوده است. مثالهای زیر انواع ساخت بلاغی تلمیح را نشان میدهد. صریح:

مکن عییم اگر گشتم بیابانگرد چون مجنون وطن در بینواییها به گلخن میتوان کردن
(دیوان، بیت ۲۸۷۱)

مؤکد:

از جست و جو نشان وصال نیافتم وصلت مراست لیلی و مجنون دل من است
(همان: بیت ۷۶۸)

تشبیه بلیغ: بر شهیدان غمت کار مسیحا میکند می‌وزد هر دم نسیم صبحدم از کوی تو(همان):
(۲۹۳۰)

استعاری در گلایه از اوضاع روزگار و نامرادی:

بگو به ظالم بیرحم اینقدر تا کی به دست دیو بود خاتم سلیمانی
شکستن دل آزدگان مصافی نیست که مور با دل انسان کند سلیمانی
(بیت ۳۳۰۹ و ۱۰)

گونه‌های بیانی تلمیح

تلمیح در دیوان مخفی به شکل‌های مختلفی ظاهر میشود که میتوان آن را گونه‌های بیانی تلمیح نامید. گونه‌های بیانی تلمیح به ترتیب بسامد و تکرار به شرح زیر هستند:

۱- اشاره مستقیم به شخصیت که دانش و آگاهی تعریف شده و مشخصی را در اختیار مخاطب قرار میدهد و مستندسرای شاعر را تأیید میکند. تلمیحات قرآنی از این قبیل است:

آتش نمرودیان را لایحاً الاقلین هر خلیل الله کند هر دم گلستانی دگر (دیوان: ۲۰۸۰)

۲- اشاره مستقیم به شخصیت و در عین حال بازنمایی آن برای دستیابی به مقاصد و اغراض شاعرانه که مشمول کارکردهای اختصاصی تلمیح میشود. در این گونه تلمیحات شاعر از طرح شخصیت تلمیح برای مقاصد خود استفاده میکند و اهمیت تلمیح در کنار مقاصد شاعر کمرنگ میشود:

بس که با ما کرد بیدادی جفای روزگار قصه فرهاد و شیرین سربه سر افسانه شد(دیوان: ۱۶۶۱)

۳- تلفیق و باهم آبی شخصیت‌های تلمیح در یک بیت و در کنار هم که شخصیت‌های تلمیح را به شکل‌های سه‌گانه و جفتهای مکمل یا رقیب و مخالف ارائه میکند. تکرار این ویژگی در محور افقی و عمودی پاره‌ای از قالب‌های شعری بخصوص غزل به گونه‌ای است که چهار تا پنج تلمیح متفاوت ذکر میشود و گونه‌ای هنرنمایی شاعرانه را در ارائه معانی متعدد و متنوع نشان میدهد:

گرفته چون ز خسرو کام شیرین دعایی بر روان کوهکن کن (همان: ۲۸۹۳)

۴- خلط شخصیت‌ها و حوادث مربوط به آنها که تمایز آن به دشواری انجام میپذیرد. در تلمیحات دیوان مخفی، خلط شخصیت ذوالقرنین پیامبر و اسکندر مقدونی - که در ادبیات فارسی سابقه دارد

(ر.ک . خضر، اسکندر و آب حیات، حیدری: ۷۸- ۸۰) - مشاهده میشود؛ به گونه‌ای که بازماندن از آب حیات به اسکندر پیغمبر نسبت داده شده است (دیوان :بیت ۱۰۲) و در مواردی دیگر به پادشاهی (همان: بیت ۱۵۴۵) و پیغمبری اسکندر(همان: ۱۱۶۷) اشاره شده است. همچنین ناخدایی و هدایتگری در دریای توفانی همزمان به نوح و خضر پیامبر نسبت داده شده است. (همان : ۲۰۷۴)

۵- وارونگی و نسبت نادرست حوادث به شخصیتها که به دلیل بی‌توجهی شاعر یا دانش نادرست او و وجود زمینه‌های تاریخی نادرست صورت میگیرد. زمینه‌های تاریخی نادرست در مواردی بیانگر تفکر بینامتنی تلمیح است؛ در مواردی خضر و اسکندر هر دو از آب حیوان خورده‌اند، (دیوان: ۳۸۹۲) درحالی‌که این مضمون با موارد مذکور دیگر در همین دیوان و دیدگاه منتقدان (ر.ک . خضر، اسکندر و آب حیات، حیدری: ص ۷۷) مغایرت دارد.

نوآوری در تلمیح شخصیتها

نوآوری در تلمیح در دیوان مخفی به دو شکل انجام میپذیرد: طرح اجزاء فرعی و کمتر شناخته‌شده حادثه و واقعه‌ای خاص در محور همنشینی اجزاء تلمیح و دیگر آشنایی‌زدایی زبانی که تعبیرسازی شاعرانه و ارائه متفاوت مضمونی واحد است.

بررسی ساختار اجزاء تلمیح در همه موارد، کاربرد اجزاء فرعی تلمیح را در مقایسه با اجزاء اصلی کمتر نشان میدهد. این امر به نوبه خود بر سلاست و روانی زبان شاعر افزوده است. نوآوری در پاره- ای تلمیحات به دلیل مستند سازی شاعر و تمایل او به حفظ حدود مشخص، کمتر مشاهده میشود. تلمیحات مذهبی و قرآنی از این قبیل است؛ اما در تلمیحات ادبی، زبان ادبی، ابزاری قوی در دست شاعر برای هنرنمایی و توسعه معنایی است. نکته قابل تأمل در این تلمیحات، کاهش چشمگیر حوادث داستانی در مقایسه با تلمیحات مذهبی است. بدین ترتیب شاعر با بهره‌گیری از ابزارهای زبانی توانسته است، حوادثی محدود را به شکلهای مختلف ارائه دهد و مضمونی واحد را به صورتهای زبانی مختلف بازگو کند؛ به عنوان مثال تلمیح مجنون، به تنهایی، ۸۳ بار در دیوان مشاهده میشود؛ اما چهار حادثه داستانی و شش توصیف مشخص از زندگی مجنون را دربرمیگیرد. حوادث: از هوش رفتن مجنون به هنگام دیدن لیلی، جستجوی میر قبایل مجنون را، رفتن محمل از میان کاروان بر سر مجنون و غلط رفتن ناقه بر تربت او.

درنمیگیرد فسون دیوانه عشق تو را از پی مجنون عبث میرقبایل می‌رود (دیوان: ۱۸۵۹)

توصیفها: بیابانگردی، جنون و دیوانگی، ترک دنیا، عالی همتی و یکتایی در عشق، ستم‌کشی و رسوایی.

عجب سرگشته وادی شد آن مجنون بیچاره طلبکار محبت را مکان در لامکان بینی
(دیوان: ۳۳۶۳)

بقیه موارد هنرنمایی شاعر و تعبیرسازی اوست که کاربرد متنوع مضامین در توصیف زندگی مجنون و شخصیت او را دربرمیگیرد و بر پردازش حادثه غلبه میکند؛ ایهام و دوگانگی معنایی واژه مجنون در نام شخصیت و مفهوم دیوانگی (دیوان: ۲۶۰۹) و جناس و تناسب با واژه جنون (همان: بیت ۸۸۶ و ۱۳۳۷) از صنعت‌های ادبی به کار رفته در این بخش است. نیز اشاره به بید مجنون از موارد ذکر اجزاء فرعی تلمیح است که تلاش شاعر را برای نوآوری نشان میدهد.

مجنون که به پا نهاده زنجیر از رشته زلف، از جنون نیست
(دیوان: ۳۵۷۹)

مجنون به زیر سایه بیدت چه حاصل است نخل جفا گزین که شجرها در او گم است
(دیوان: بیت ۷۰۹ نیز ۱۵۴۲)

همچنین مجنون و لیلی در دیوان مخفی ۲۶ بار در محور همنشینی یک بیت بکار رفته‌اند، اما در مجموع به سه حادثه داستانی اشاره میکنند که حادثه پی شدن محمل لیلی و سرگردانی او در وادی از این جمله است:

تو را آه دل مجنون چه دامگیر شد لیلی درین ره محمل خود را شی پی میتوان کردن
(دیوان: ۲۸۷۸)

همچنین استفاده از انواع جناس تلاش شاعر را برای نوآوری با به کارگیری صنایع ادبی نشان میدهد:

گشته‌ام سرگشته وادی و از لیلی خویش همچو مجنون از جنون نام و نشان گم کرده‌ام
(همان: ۲۴۰۷)

گه چو مجنون ز جنون دامن صحرا گیرم گه چو لیلی ز الم طره لیلیا گیرم
(همان: ۲۵۵۶)

کارکردهای تلمیح

کارکردهای تلمیح در دیوان مخفی، اهداف کلی و جزئی شاعر را در کاربرد تلمیح نشان میدهد. اهداف کلی شاعر، اصول خدشه‌ناپذیر حاکم بر سنت ادبی را نشان میدهد. این اهداف کمابیش در میان همه شاعران وجود دارد و در روند ادراک مخاطب از شعر نیز بصورتی ملموس و محسوس منتقل میشود. رعایت ایجاز و اصل اقتصاد کلام، خیال‌انگیزی، زیبایی کلام، استحکام و استواری کلام، حسی و تصویری و ملموس کردن امر انتزاعی و ذهنی، اغراق و بزرگ‌نمایی، تأثیرگذاری بر مخاطب و ایجاد التذاد هنری (کندوکاوی در آرایه تلمیح، اعلا: ص ۵۹ به نقل از وحیدیان کامیار)،

انتقال آگاهی و دانش به مخاطب، اشاره به حوادث تاریخی عصر، معنی آفرینی، ایجاد زبان رمزی (فرهنگ تلمیحات، شمیسا: ص ۳۸ و ۳۹) از جمله این اهداف است.

اهداف جزئی شاعر از کاربرد تلمیح بیش از هر چیز نشانگر تسلط او بر زبان شعر، مهارت، میزان آگاهی و دانش و دیدگاه فکری اوست. بررسی تلمیح در دیوان مخفی پاره‌ای از کارکردهای خاص تلمیح در دیوان وی را نشان می‌دهد:

۱- توصیف حال خود در مقام عاشق و شاعر با دیدگاهی درون‌متنی و برون‌متنی که به مقایسه با شخصیت تلمیح میانجامد و به دو نتیجه تساوی با شخصیت منظور یا برتری بر آن و تفاخر ختم می‌شود. محتوای متن اغلب بر مضامین گله و شکایت از نامرادی روزگار، کثرت اندوه، گنجهکاری و تردامنی خود و حلاوت سختی عشق متمرکز می‌شود:

چو مجنون رو به وادی کن ز درد هجرای مخفی که با دلبر در آن وادی عنایت هم‌عنان بینی
(دیوان: ۳۳۸۵)

دلی دارم سراسر خون شده در عشق چون مجنون خدا را جانب من بین به آیینی که میدانی
(همان: ۳۰۴۵)

۲- وصف معشوق و برتری او بر شخصیت تلمیح یا تساوی با او با تشریح زیبایی ظاهری و ویژگیهای اخلاقی او:

یوسفی اما چه یوسف، پادشاه ملک حسن روشنی کشور دل ز آفتاب روی توست
(همان: ۵۳۰)

۳- مدح ممدوح و تفضیل او بر شخصیت تلمیح که اغلب متضمن برشمردن سجایای اخلاقی و کنش اوست. ممدوح در دیوان مخفی به جزء موردی نادر در ستایش شاه، اغلب صبغه اعتقادی دارد که در این بخش، مدح پیامبر خاتم برجسته می‌شود:

غمتم در ملک تن دارد به من طرز سلیمانی شد اقلیم بدن ملکش دلم تخت سلیمانش
(همان: ۳۱۱۶)

۴- توصیف شیء یا پدیده‌ای و تساوی آن با ویژگی برجسته شخصیت تلمیح یا برتری بر آن. برتری ساغر درد بر آب حیات از این جمله است:

ساقی دردکشانم داد امشب ساغری کز خمارش طعنه بر خضر و سکندر میزنم
(دیوان: بیت ۲۴۴۹)

۵- پند و اندرز خود و مخاطب که بیانگر صبغه تعلیمی شعر مخفی است. تأکید بر اصول اخلاقی- انسانی با اشاره به داستانها و قصص قرآنی، قاعده و قانونگرایی در عشق و اخلاق بر مبنای تجربه و تشریح و تحدید آن، ترسیم بی‌وفایی دنیا و ناپایداری آن، درج مضامین عرفانی با تأکید بر مفهوم فنا و فقر، انتقاد اجتماعی با هدف آگاهی‌رسانی و تنبیه مخاطب، بافت معنایی متن تلمیح را شکل

میدهد. ترسیم الگوی عاشق راستین با بهره‌گیری از تلمیح استعاری تلاش شاعر را برای قاعده‌گرایی نشان میدهد.

موسنی باید که پای دل نهد بر طور عشق بوالهوس بنشین که راه کوچه و بازار نیست
(همان: ۹۵۳)

۶- بسترسازی و فضاسازی مناسب برای درج مضامین مختلف عاشقانه - عارفانه که افزون بر ایجاد انسجام و ساختار هماهنگ شعر، ذهن مخاطب را برای دریافت و پذیرش شعر و مقاصد شاعر آماده میسازد. مخاطبه و گفتگو با شخصیت تلمیح، از جمله ابزارهای زبانی شاعر برای درج مضامین مورد نظر اوست:

با درد کن الفت نفسی چند مسیحا بی درد توان بود توان داشت دوا را
(دیوان: ۲۱)

سبک فردی شاعر در تلمیح در مقایسه با سبک هندی

کاربرد تلمیح در سبک هندی رونق مییابد. از دیدگاه منتقدان، غزل که قالب اصلی شعر در سبک هندی است، مناسب‌ترین محل برای تلمیحات غنایی عاشقانه است، خواه این تلمیحات ایرانی باشد و خواه اسلامی. در غزل از تلمیحات اسلامی بیشتر استفاده میشود و قصه‌های حماسی برای پند و تنبیه به کار میروند. (ر. ک. فرهنگ تلمیحات، شمیسا: ص ۲۱) بررسی تلمیح در دیوان زیب‌النسا مخفی افزون بر ارائه مشخصات سبکی نویسنده، شباهتها و تفاوت‌های او را با سایر نویسندگان سبک هندی نشان میدهد. پاره‌ای از ویژگیهای برجسته سبک فردی نویسنده در تلمیح شخصیت‌ها عبارتند از:

۱- تلمیحات ادبی عاشقانه و عارفانه، بیشترین بسامد را در دیوان مخفی نسبت به سایر اقسام تلمیح از جمله تلمیحات مذهبی و قرآنی دارند. تلمیحات اساطیری و تاریخی مبتنی بر قصص حماسی و روایت‌های تاریخی، کمترین میزان کاربرد را در دیوان مخفی دارند. خاستگاه و منشأ تلمیحات ادبی که به ترتیب بسامد به ماجراهای عاشقانه و بخشندگی عرب و قصه‌های دلدادگی تاریخ و ادب ایران برمیگردد، غلبه تلمیحات اسلامی را در دیوان مخفی رد میکند. این تلمیحات با تأکید بر بافت و ساختار عاشقانه - عارفانه متن شکل میگیرند و موجب انسجام ساختاری غزل، برخلاف ویژگی رایج سبک هندی میگردند. جدول زیر تعداد شخصیتها و بسامد تلمیح هر یک را نشان میدهد:

اقسام تلمیح شخصیت	تعداد شخصیتها	بسامد
مذهبی	۱۷	۲۰۳
اسطوره‌ای و تاریخی	۱۱	۴۲
ادبی	۸	۲۲۲

۲- تلمیح به شخصیت‌های اساطیری و تاریخی، در دیوان مخفی کارکردهای متعددی دارد و فقط برای پند و اندرز از آن استفاده نمیشود. شاعر از شخصیت‌های تاریخی، همچون رجال علمی، رستم پهلوان و حاتم بخشنده برای تفاخر و بیان برتری خود استفاده میکند. پادشاهان اساطیری و تاریخی و متعلقات پادشاهی چون درفش کاویان و طاق کسری را برای وصف حال خود و پند و اندرز در متن به کار میبرد. تنوع کارکرد تلمیح این گروه از شخصیت‌ها، دیدگاه شاعر را نشان میدهد:

بوعلی روزگارم از خراسان آمده از پی اعزاز بر درگاه سلطان آمده
(دیوان: ۳۸۷۹)

از دیده روان اشکم و بر کف ز میم جام فریاد به یاد جم و کی میکنم امشب
(همان: ۳۵۴)

۳- کاهش تعداد شخصیت‌ها، بخصوص شخصیت‌های ادبی و بسامد بالای آنها در دیوان، پالودگی و گزینشی آگاهانه را در استفاده از شخصیت‌های معروف و مشهور نشان میدهد که در سبک عراقی، بخصوص سعدی و حافظ، رایج بوده است. در این میان بسامد بالای شخصیت مجنون و لیلی و کاربرد آن به شکل جفتهای مکمل و پس از آن بسامد ماجرای عاشقانه فرهاد و شیرین قابل تأمل است. ورود خسرو به عنوان شخصیت رقیب و مکمل و باهم آیی سه‌گانه این شخصیت‌ها از دیگر ویژگیهای سبکی نویسنده است. تلمیح به شخصیت منصور حلاج به عنوان تنها شخصیت عرفانی در غزلهایی با صبغه عارفانه قابل توجه است:

شیرین و می و خسرو و عشرتگه مقصود فرهاد و غم و تیشه و کھسار و دگر هیچ
(همان: ۱۲۳۹)

میزنم لاف انالحق بر سر بازار عشق تازه منصوری دگر بر دار خواهیم کرد و رفت
(همان: ۱۱۸۰)

نتیجه

تلمیح شخصیت‌ها در دیوان مخفی به سه گروه مذهبی، اساطیری و تاریخی و ادبی تقسیم میشود. شخصیت‌های مذهبی شخصیت‌های قرآنی و پیامبران ادیان مختلف را دربرمیگیرد که مستندسرای و تکرار اجزاء تلمیح ویژگی آن است. شخصیت‌های اساطیری و تاریخی، طبقات مختلف اجتماعی به ترتیب اهمیت پادشاهان و متعلقات آنان، پهلوانان، دانشمندان و دیگر مشاهیر تاریخی را دربرمیگیرد که بسامد کمتری نسبت به اقسام دیگر تلمیح دارد. شخصیت‌های ادبی به دو گروه شخصیت‌های عاشقانه و عارفانه تقسیم میشوند که اشخاص برجسته محدود با بیشترین بسامد را در بر میگیرد. بررسی خاستگاه این تلمیحات، سه گروه تلمیحات سامی، ایرانی و یونانی را نشان میدهد.

ساختار اجزاء تلمیح، دو گونه تلمیح را نشان می‌دهد. تلمیح حادثه که واقعه و حادثه‌ای خاص را با تأکید بر عملکرد شخصیت نشان می‌دهد و تلمیح نمادین که استفاده از شهرت شخصیت را در جهت اغراض و مقاصد شاعر نشان می‌دهد و انبوهی از حوادث و ماجراها را در ذهن مخاطب برمی‌انگیزاند. همچنین اشخاص تلمیح با نامهای مختلف، متأثر از شهرت، لقب، حرفه و پیشه خود معرفی می‌شود و گاه شاعر با بهره‌گیری از حذف و تقصیر، صورت نوشتاری جدیدی از نام شخص ارائه می‌دهد. تلمیح بر حسب ذکر یا حذف نام شخصیت به دو گروه مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می‌شود که بیشترین حجم تلمیح را، تلمیح مستقیم به نام شخصیت دربرمیگیرد. تنوع و تعدد اجزاء تلمیح که متضمن اشاره به حادثه‌ای واحد در محور همنشینی یک بیت است و اغلب اجزاء اصلی تلمیح را در بر میگیرد، ویژگی برجسته ساختار اجزاء تلمیح در دیوان مخفی است.

بررسی ساختار بلاغی تلمیح، ارتباط تلمیح با متن را بر اساس آرایه تشبیه نشان می‌دهد که تشبیه تلمیحی صریح، مفصل و مجمل و مؤکد و پس از آن تشبیه بلیغ بسیار مشاهده می‌شود و تلمیح استعاری، کمترین تعداد را دارد که بر روانی کلام شاعر و درک بی‌واسطه معنا افزوده است.

در مبحث گونه‌های بیانی تلمیح، اشاره مستقیم به شخصیت با هدف ارائه اطلاعات و دانشی مشخص به مخاطب یا بازنمایی آن برای دستیابی به مقاصد و اغراض شاعرانه بررسی می‌شود. همچنین تلفیق و باهم آبی شخصیت‌های تلمیح در یک بیت و در کنار هم مطرح می‌شود. خلط شخصیت‌ها و حوادث مربوط به آنها و در مواردی نسبت نادرست حوادث به شخصیت‌ها از دیگر یافته‌های مطرح در این بخش است.

در تلمیحات ادبی نسبت به سایر تلمیحات، زبان ادبی موجب هنرنمایی شاعر و توسعه معنایی است. ارائه حوادث و توصیف‌هایی محدود از زندگی شخصیت‌ها به شکلهای متنوع از نوآوری‌های این بخش است.

توصیف حال خود در مقام عاشق و شاعر، وصف معشوق، مدح ممدوح و توصیف شیء یا پدیده‌ای با هدف بیان برتری بر شخصیت تلمیح یا تساوی با آن، همچنین پند و اندرز خود و مخاطب، بستر سازی و فضا سازی مناسب برای درج مضامین مختلف عاشقانه - عارفانه از کارکردهای اختصاصی تلمیح در دیوان مخفی است.

مجموعه‌ای از این عوامل انسجام ساختاری غزل مخفی را بر خلاف ویژگی رایج سبک هندی نشان می‌دهد. تنوع کارکرد تلمیحات مختلف در دیوان مخفی و کاهش تعداد شخصیت‌ها، بخصوص شخصیت‌های ادبی و بسامد بالای آنها، گزینشی آگاهانه را در تلمیح به شخصیت‌های معروف و مشهور نشان می‌دهد که در سبک عراقی، بخصوص سبک سعدی و حافظ رایج بوده است.

فهرست منابع و مآخذ

۱. ابداع البدایع، گرگانی، حاج محمدحسین شمس العلماء (۱۳۷۷)، به اهتمام حسین جعفری، تبریز: نشر احرار.
۲. بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، واعظ کاشفی سبزواری، میرزا حسین (۱۳۶۹) ویراسته میرجلال الدین کزازی، تهران: مرکز.
۳. بدیع از دیدگاه زیبایی شناسی، کامیار، وحیدیان (۱۳۸۷)، تهران: دوستان.
۴. دانشنامه بزرگ اسلامی، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، مقاله ۶۰۷۶، قابل دستیابی در <http://lib.eshia.ir/23022/16/6076>
۵. دیوان، زیب النسا مخفی (۱۳۸۱)، به تصحیح مهیندخت صدیقیان و سید ابوطالب میرعابدینی، تهران: امیرکبیر.
۷. زیبا شناسی سخن پارسی (۳) بدیع، کزازی، میرجلال الدین (۱۳۸۱)، چ چهارم، تهران: مرکز.
۸. زیور سخن در بدیع فارسی، صادقیان، محمد علی (۱۳۷۹)، یزد: دانشگاه یزد.
۹. سیری در شعر فارسی، زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۷)، تهران: نوین.
۱۰. فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، سیما (۱۳۸۳)، چ دوم، تهران: مروارید.
۱۱. فرهنگ بدیعی، موسوی، میرنعمت الله، (۱۳۸۲)، تبریز: احرار.
۱۲. فرهنگ تلمیحات، شمیسا، سیروس، (۱۳۷۱)، چ سوم، تهران: فردوسی.
۱۳. فرهنگ تلمیحات شعر معاصر، محمدی، محمد حسین (۱۳۷۴) تهران: میترا.
۱۴. کاروان هند، گلچین معانی، احمد، (۱۳۶۹)، چ دوم، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۵. معانی بیان، آهنی، غلامحسین، (۱۳۶۰)، تهران: نشر بنیاد قرآن.
۱۶. نگاهی تازه به بدیع، شمیسا، سیروس (۱۳۷۱)، چ چهارم، تهران: نشر فردوس.
۱۷. مقالات
۱۸. انواع تلمیح در غزلهای حسین منزوی و سیمین بهبهانی، مدرسی فاطمه و رقیه کاظم زاده (۱۳۸۹)، زبان و ادبیات فارسی، ش ۱، ۱۲۳-۱۳۹.
۱۹. تأثیرپذیری زیب النسا از حافظ، امیرمشهدی، محمد (۱۳۸۶)، زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال پنجم، ۱۲۳-۱۵۳.
۲۰. حیات زیب النسا مخفی در پرتو کلامش، علیخان، زیب النسا، پژوهش زبانهای خارجی، ش ۱۱، ۱۲۳-۱۴۵.
۲۱. خضر، اسکندر و آب حیات، حیدری، حسین (۱۳۸۵) مطالعات عرفانی، ش ۳، ۷۳-۹۱.
۲۲. کندوکاوی در آرایه تلمیح، اعلا، محسن، (۱۳۸۹)، رشد آموزش زبان و ادبیات فارسی، ش ۲، ۵۸-۶۳.
۲۳. مقایسه چهار روایت لیلی و مجنون، ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۸)، پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، ش ۱، ۵۹-۸۲.

۲۴.نکته‌هایی در باب تلمیحات شاهنامه‌ای خاقانی، آیدنلو، سجاد (۱۳۸۳)، پژوهشهای ادبی، ش ۴، ۷-۳۶.

En wikipedia.com10/1/1393.۲۵